

مفاهیم اولیه‌ی آنارشیسم

پاسخی بر سوالات تکراری و بنیادی در مورد آنارشیسم

واردان

فهرست

3		آنا رشیسم چیست و آنا رشیست کیست؟
4		ارزش های آنا رشیسم
5		رسیدن به جامعه ی آنا رشیستی
6		آنا رشیسم در دهه های اخیر

آنارشیشم چیست و آنارشیت کیست؟

جورج وودکاک:

تا به حال هیچ واژه‌ای به اندازه‌ی واژه‌ی آنارشیشم دچار کج‌فهمی نشده است.

یکی از اصول اولیه‌ی آنارشیشم برابر است با نفی اقتدار که در طول تاریخ با انواع و اقسام اشکال مختلف همچون حکومت، دین، نژاد، جنسیت و... ظهور کرده است. تمامی این اشکال اقتدارطلب به جهت اعمال کنترل اقلیت بر اکثریت و به خدمت گرفتن و استثمار افراد یک جامعه به نفع طبقه‌ی حاکم همچون پادشاهان، سیاستمداران، پیشوایان دینی و حتی سلطه‌ی مرد بر زن به وجود آمد. یک آنارشیت بیشتر از هر چیز به دنبال نحوه‌ی برخورد انسان با جامعه‌اش است. چه فردگرا باشد و چه جمع‌گرا همه‌ی آن‌ها خواستار جامعه‌ای بدون طبقه و مبتنی بر همکاری داوطلبانه میان یکدیگر هستند، به همین دلیل اقتدار را انکار و به دنبال انهدام نظام کارگر-کارفرما و سلطه‌ی انسان بر انسان هستند.

سوال پیش می‌آید که آیا تمام کسانی که منتقد نظم موجوداند، اقتدار حکومت را انکار می‌کنند و با آن به ستیز برمی‌خیزند آنارشیت هستند؟

با یک مثال جواب این سوال را می‌دهم، پیامبران را در مقام یک شخص (نه فرستاده‌ای از طرف خدایشان) با فلسفه‌ای رهایی بخش برای طبقات پایین جامعه در نظر بگیرید، آن‌ها در زمانه‌ی خود قدرت و ظلم و فساد حاکمان را رد کردند به این دلیل که خواستار جامعه‌ای برابر میان افراد بودند و ارزش انسان‌ها را به دور از هرگونه شغل و پیشه نسبت به یکدیگر برابر می‌دانستند و خواستار برچیدن استفاده‌ی ابراری اقلیت حاکم از مردم بودند.

مسئله‌ای که وجود دارد این است که آن‌ها به دنبال آنارشی یا جامعه‌ای بدون طبقه و سلسله‌مراتب نبودند، بلکه بیشتر از همه خواستار تاسیس قلمرو یا حکومتی دیگر بر اساس قوانین خود بودند. حال به جای نام پیامبران اسم هر شخص انقلابی دیگری بگذارید، چیزی که در همه‌ی آن‌ها مشترک است جایگزین کردن خود و یارانشان با اقلیت حاکم است.

آیا آنارشیت‌ها هرج و مرج طلب هستند؟

دلایل بی‌شماری برای پیدا کردن چرایی بدنام شدن آنارشیت‌ها به عنوان خرابکار، آشوبگر، هرج و مرج طلب و حتی قاتل وجود دارد. یکی از دلایل، عمل‌گرا بودن آنارشیت‌ها و نشان دادن ضدیت‌شان با حکومت‌های چه دست‌راستی و چه دست‌چپی در طول تاریخ است. آن‌ها از بدو تولد یعنی از زمان زایش آنارشیشم به عنوان فلسفه‌ای سیاسی و پیدا شدن آنارشیت‌ها در قرن ۱۸ میلادی منتقدین سرسخت دولت‌ها و دولت‌مردان بوده‌اند.

در اوایل قرن ۲۰ میلادی بود زمانی که حکومت‌ها به قدرت تبلیغات برای پیش برد اهداف‌شان پی بردند، به همین جهت گره خوردن صفاتی همچون وحشی و خرابکار با نام آنارشیشم از بلوک شرق گرفته تا غرب طنین‌انداز سراسر جهان شد. البته لازم به ذکر است اقدامات آنارشیت‌هایی که حاکمان و سیاستمداران وقت را ترور کردند در این نام‌گذاری بی‌تاثیر نیست.

وضعیتی را برایتان مثال می‌زنم:

تصور کنید در کشوری با حکومتی دیکتاتوری و تمامیت‌خواه زندگی می‌کنید حال شما به عنوان یک شهروند ناراضی فرصتی برای ترور کردن دیکتاتور بزرگ به دست آورده‌اید چه می‌کنید؟

اگر انجام دهید مردم زیادی از این عمل شما استقبال خواهند کرد و حتی ممکن است برایتان شعر، داستان، موسیقی و فیلم بسازند و جاودانه‌تان کنند اما در این بین همزمان با شور و شادی مردم دولت هم دست به کار می‌شود و کارزار تبلیغاتی علیه شما و کنش شما به راه می‌اندازد و از شما به عنوان فردی قاتل و خطرناک برای جامعه یاد می‌کند در این بین تصور کنید که آنارشیت هم باشید.

تنها تفاوتی که قرن حاضر با صد سال پیش دارد این است که آن زمان، دولت حاکم بلامنازع تبلیغات و وسایل مربوطه بود، اگر روزنامه‌ها یا مدیای آن زمان شخص یا ایدئولوژی‌ای را به وحشیگری و خرابکاری محکوم می‌کرد تاثیر این عمل از اذهان جامعه به سادگی از بین نمی‌رفت.

چه بسا بودند هنرمندان و نویسندگانی که سعی داشتند واقعیت را آن‌طور که بود از طریق آثارشان به مخاطبان منتقل کنند، اما این نبرد ناعادلانه بین چند هنرمند و دستگاه تبلیغاتی حکومت پایانی مشخص داشت.

ارزش‌های آنارشیسم

پیتر مارشال:

اکثریت حقی در دیکته کردن چیزی بر اقلیت ندارد حتی اقلیت یک نفره، چه برسد به حق دیکته‌ی اقلیت بر اکثریت.

آنارشیست‌ها به دنبال زندگی‌ای مبتنی بر برابری، رفاه و برآورده شدن نیازهای همگانی و فردی هستند. نیاز به آن معنای مایحتاج اولیه و گذراندن زندگی در شرایط سخت و دشوار نیست، بلکه بیشتر از همه به معنای رفاه اجتماعی می‌باشد. به باور آن‌ها انسان همانقدر به غذا و مسکن نیاز دارد که به هنر، علم، تفریح و غیره.

آنارشیسم در بازتعریف ارزش‌های مبتنی بر زندگی آزاد و خلاقانه، اصل اول یعنی برابری میان تمام انسان‌ها فارغ از شغل، جنسیت و نژاد را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده است. برابری به معنای رعایت مساوات میان همه‌ی افراد نیست بلکه برابری‌ای مبتنی بر رعایت آزادی فردی هر شخص.

به دلیل تنوع مکتب در آنارشیسم ارزش‌های زیادی نزد آن‌ها وجود دارد اما در ادامه به تعدادی از موارد بنیادین که در میان تمامی گرایش‌ها یا اگر نخواهیم با قطعیت بگوییم، ارزش‌هایی که در بیشتر گرایش‌ها مقبولیت دارند می‌پردازم.

دموکراسی مستقیم:

تفاوت عمده‌ی این مدل از دموکراسی با مدلی که در غرب و دولت‌های به اصطلاح آزاد و لیبرال وجود دارد این است که در دموکراسی پارلمانی هر شهروند با رای خود به طرفداری از یک نماینده‌ی خاص با گرایش‌هایی متفاوت از دیگر نمایندگان برمی‌خیزد به این امید که شاید این نماینده‌ی جدید حق شهروندان را کمتر از دیگری پایمال کند.

حال باید از خود سوال کرد آیا این شهروند متوجه‌ی این موضوع نمی‌شود که وقتی به یک شخص ثالث رای می‌دهد تا به جای او و برای زندگی و آینده‌ی او تصمیم بگیرد، در واقع آزادی فکر و عمل را از خود سلب و آن را دو دستی و با اشتیاقی وصف نشدنی تقدیم شخص نماینده می‌کند!

اما دموکراسی مستقیم تعریف و کارکردی متفاوت دارد. یک جامعه‌ی آنارشیستی از شوراها و کمون‌های مختلف تشکیل می‌شود که اجرای سیاست‌ها و تصمیمات را بر عهده دارند. دموکراسی مستقیم به این معناست که سیاست‌ها توسط شهروند با رای‌گیری یا روش‌های پیشنهادی انجام می‌شود و وظیفه‌ی اجرا و اداره‌ی تصمیمات بر عهده‌ی شورا یا کمون است.

ممکن است از خود بپرسید اگر کمون وظیفه‌ی خود را به درستی انجام ندهد و یا در اجرای سیاست تصویب شده کوتاهی کند، شهروند چگونه می‌تواند به مقابله برخیزد؟

پاسخ در این است، شهروندان هر لحظه از ماه و سال امکان خلع اعضای شورا یا کمون را دارند.

حال می‌پرسید اعضای شورا یا کمون چه کسانی هستند؟

شهروندانی هستند که به صورت داوطلبانه مسئولیت انجام کار را بر عهده می‌گیرند.

سازماندهی افقی:

این واژه بیشتر از هر چیز به دنبال حذف سلسله‌مراتب سازمانی و یا ارجحیت داشتن یک فرد یا گروه بر دیگری است. کاریکاتور معروف هرم نظام سرمایه‌داری را در نظر بگیرید؛ طبقه‌ی زیرین که شامل کارگران و اقشار زحمت‌کش جامعه است با عنوان "ما برای شما کار می‌کنیم و شما را سیر می‌کنیم" تا راس هرم با عنوان "بر شما فرمانروایی می‌کنیم". حال می‌توان این هرم را به یک خط عمودی تشبیه کرد که افراد بر اساس مقام و پول از بالا به پایین طبقه‌بندی می‌شوند.

اما در خط افقی، بالا و پایینی وجود ندارد و همه‌ی انسان‌ها در کارکردن، تصمیم گرفتن و داشتن قدرت با یکدیگر مساوی‌اند. مراقب باشید که این نمونه را با سازماندهی از پایین به بالا اشتباه نگیرید چون باز هم در آینده شاهد هرم طبقاتی خواهیم بود با این تفاوت که این دفعه فقط جای کارگر و سرمایه‌دار عوض خواهد شد.

آموزش آزاد و تفکر نقادانه:

همانطور که از نام‌اش پیداست آموزش باید آزاد و مستقل از هر دولت یا مذهبی باشد. شک کردن، عنصر اول آزادی هر انسان. تصور کنید که در مدارس تفکر انتقادی و سیاست ضداستبدادی آموزش داده نشود؛ نتیجه این

می‌شود که در بهترین حالت با جامعه‌ای مطیع و دنباله‌رو مواجه خواهیم بود. چیزی که هر حکومتی خواهان آن است. آرمان‌شهر هر دولتمرد.

توجه‌تان را به درس تاریخ در مدارس تمام کشورها جلب می‌کنم. آیا چیزی غیر از رشادت‌ها و دلاوری‌های قهرمانان ملی را مشاهده می‌کنید؟ چگونه ممکن است نادر شاه افشار در عین این که قهرمان ایرانیان است همزمان در هند از او به عنوان دزد و غارتگر یاد کنند؟ حال یک فرد بی‌طرف خارج از این دو ملت باید از او به عنوان کسی که ایران را آباد کرد یاد کند یا کسی که هند را تاراج کرد؟ فرد مستبد، مستبد است خوب و بد ندارد.

دگراندیشی:

یکی از زیبایی‌های آنارشیسم دگراندیش بودن آنارشیست‌هاست. دلیل تنوع مکاتب و گرایش‌های مختلف دال بر اثبات این نظریه است. انسان، آزاد است خلافتان زندگی کند و زندگی بیافریند. به همین دلیل است که آنارشیست‌ها از تمامی افکار نو و رهایی‌بخش مادامی که به دنبال قدرت، بهره‌کشی، انباشت سرمایه و.. نباشد استقبال می‌کنند، آن را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهند و به آیندگان منتقل می‌کنند.

رسیدن به جامعه‌ی آنارشیستی

فکر می‌کنم اگر به این پرسش جوابی قطعی و محکم بدهم خود را در زمره‌ی واعظان و پیشوایان قرار داده‌ام. کسانی که با به تصویر کشیدن یک نقشه‌ی از پیش تعیین شده خواستار تبعیت و پیروی بی‌چون و چرای پیروانشان هستند. این در حالی‌ست که لطافت آنارشیسم به تنوع و ثابت نبودن این آموزه است؛ به گونه‌ای که هر فرد یا گروهی بسته به خلاقیت و سلیقه‌ی خود می‌توانند مسیری جدا از دیگری طی کنند. تا زمانی که صداقت‌دار باشند و اصل برابری را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهند.

تمرکززدایی و ایجاد جوامع خودمختار:

آنارشیست‌ها در همه‌ی زمانه به دنبال ایجاد جوامع خودگردان بودند از کمون پاریس در سال ۱۸۴۸ گرفته تا حال حاضر با این هدف که دست دولت و موسسات مالی و دینی را از زندگی خود کوتاه کنند. ممکن است بگویید در قرن حاضر این کار نشدنی است، اما جواب می‌دهم نه تنها شدنی است بلکه نمونه‌های موفقی از این جوامع را می‌توان در مناطق چیاپاس مکزیک و روژآوای کوردستان مشاهده کرد. علاقه و تاثیر این ایده بر رهایی‌سازی مناطق به حدی بود که موراوی بوکچین در اواخر قرن ۲۰ نظریه‌ی کمونالیسم را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد.

کمونالیسم چیست؟

در تعریفی ساده می‌شود از آن به عنوان سیستمی نام برد که در آن جوامع خودمختار محلی، به صورتی غیرمتمرکز در یک فدراسیون قرار می‌گیرند و شهر یا منطقه را اداره می‌کنند.

آموزش و گسترش آنارشیسم:

طبیعتا یکی از اولین گام‌ها در رسیدن به مسیر مورد نظر گسترش آگاهی عمومی و شناساندن هرچه بیشتر این آموزه به دیگران است. آنارشیست‌های گذشته این مسیر را از طریق "تبلیغ از راه عمل" انجام می‌دادند به این صورت که اربابان و شاهان مستبد را ترور می‌کردند. اما آنارشیست‌های قرن ۲۰ با توسل جستن به اقدامات نمادین سعی در نشان دادن مخالفت خود با دولت و سلطه‌ی حاکم زمانه بودند؛ اقداماتی از قبیل خراب کردن ساختمان‌ها یا نمادهای سرمایه‌داری. و اما در حال حاضر در عین استفاده از سنت آنارشیست‌های قرن بیستمی، همایش‌ها و رویدادهایی خصوصا در جوامع غربی که مردم آزادی‌های بیشتری نسبت به دیگر جغرافیاها دارند برای تبلیغ این آموزه برگزار می‌شود. در واقع آن‌ها سعی می‌کنند بستری برای تبادل ایده‌ها و اشتراک تجربیات فراهم کنند تا به تصمیمی جمعی در قبال اقدامات عملی تاثیرگذار برسند.

آنارشسیسم در دهه‌های اخیر

باکونین:

انقلاب علیه آدم‌ها نیست بلکه انقلاب علیه مناسبات است.

وضعیت آنارشسیسم در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات زیادی شده است، هر گروه یا فرد بسته به دغدغه و شرایط زندگی خود پیرو یک یا چند گرایش از مکاتب آنارشسیسم شده است. اما همچنان گرایش همه‌ی آن‌ها به انکار ساختار دولت و سلسله‌مراتب باقی مانده است و فقط در حوزه‌ی مخصوص به خود فعالیت می‌کنند و در عین حال به دنبال فرصتی می‌گردند تا دوباره و از نو با یکدیگر متحد شوند. در ادامه چند مثال از گرایش‌های به نسبت جدید آنارشسیسم را توضیح خواهم داد.

آنارشسیسم سبز:

مکتبی از آنارشسیسم با دغدغه‌ای اکولوژیکی. از جمله عقاید آن‌ها می‌توان به مخالفت با سیستم سرمایه‌داری و تولید انبوه، مصرف‌گرایی، تخریب محیط زیست، زباله‌های صنعتی و .. اشاره کرد. برای نمونه می‌توان به ”جبهه آزادی‌سازی زمین“ (Earth Liberation Front) سال ۱۹۹۴ در انگلیس اشاره کرد که خود انشعابی است از ”جبهه آزادی‌سازی حیوانات“ (Animal Liberation Front) جنبشی با تمرکز بر از حقوق حیوانات. از ویژگی‌های این دو جنبش می‌توان به نامتمرکز بودن، نداشتن رئیس یا شخصی در راس قدرت و انجام اقدامات عملی بر پایه‌ی خودسازماندهی فردی و جمعی؛ اقداماتی در جهت کند کردن روند تخریب محیط زیست صورت می‌گیرد.

آنارکو-کوییر:

روز رژه‌ی کوییرها (Queer Pride Parade) چگونه شکل گرفت؟

همجنس‌گرایی در آمریکا همچون دیگر جوامع غیرقانونی بود. از این شورش با نام شورش ”استون وال“ نیز نام می‌برند چون نام کافه‌ای است که همجنس‌گرایان و دگرباشان دور هم جمع می‌شدند. بامداد ۲۸ ژوئن ۱۹۶۹ بود پلیس طبق معمول به صحنه آمد تا افراد را بخاطر پوشیدن لباس نامناسب با جنسیت‌شان دستگیر کند. اتفاقی که آن شب را از دیگر شب‌ها متمایز می‌کند مقاومت همجنس‌گرایان بود که این اتفاق را به یک شورش چند روزه تبدیل کرد. بلافاصله پس از این واقعه گروه‌هایی با اندیشه‌ی آنارشستی همچون ”جبهه‌ی رهایی‌بخش همجنس‌گرایان“ (Gay Liberation Front) و به طور کل شبکه‌ی آنارکو-کوییر شروع به فعالیت کردند تا این آتش را روشن نگه‌دارند. این تداوم مقاومت بود که برایشان آزادی به ارمغان آورد.

حق انتشار آزاد است



واردان
مفاهیم اولیه‌ی آنارشیزم
پاسخی بر سوالات تکراری و بنیادی در مورد آنارشیزم

anarchistfront.noblogs.org

fa.anarchistlibraries.net